

شب یلدای دلنوازان

نوشین مجلسی

سردبیر
قاصدیک کوچک

خانواده‌ای در جست‌وجوی دختر گمشده خود سال‌هاست در روزنامه، اطلاعیه چاپ می‌کند. دختری با این ادعا خود را به این خانواده نزدیک می‌کند اما زمانی که هویت واقعی او مشخص می‌شود، پسر خانواده دل به این دختر می‌بندد.

پسر قصد دارد پا روی قرار خانوادگی ازدواج با دخترعمه‌اش بگذارد و با این تازه‌وارد ازدواج کند، بی‌خبر از آن‌که همه چیز آنچنان که می‌نماید نیست. کم‌کم مشخص می‌شود این آغازی برای گرفتاری‌هایی است که او را تا مرز سقوط می‌برد و به خانواده‌اش آسیب می‌زند. آنچه گفته شد خلاصه‌ای از سریال دلنوازان است که پاییز سال ۸۸ برای اولین بار از شبکه سه سیما پخش شد و این روزها بار دیگر روی آنتن رفته است. حسین سهیلی‌زاده بعد از تجربه «ترانه مادری» که از نظر اقبال مخاطبان به موفقیت رسید، سریال هر شبی «دلنوازان» را ساخت. این مجموعه مثل اغلب آثار او، با محوریت خانواده و مشکلات جوانان ساخته شده است و خیلی زود و در همان چند قسمت نخست میان مخاطبان پرطرفدار شد.

در ادامه هرچه قصه پیش‌رفت و تب‌وتاب رابطه یلدا و بهزاد بیشتر شد، پیگیری بینندگان هم فزونی گرفت. اساساً تجربه نشان داده است ملودرام‌های خانوادگی به‌ویژه آثار بلند می‌تواند با اقبال تماشاگر مواجه شود. این مجموعه نیز با بهره‌بردن از چند بازیگر جوان و جذابیت ذاتی قصه‌های جوانان و روابط عاشقانه توانست ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کند و البته در این موفقیت، پخش هر شبی آن و تعداد بالای قسمت‌ها که فرصت بیشتری برای جا باز کردن اثر در دل مخاطبان دارد هم بی‌تأثیر نبود و نیست.

دلنوازان از آن دست مجموعه‌هایی است که توانست بازیگران زیادی را به سینما و تلویزیون معرفی کند یا سبب دیده شدن بیشتر آنان شود. سحر قریشی، بازیگر نقش یلدا با این سریال شناخته شد، اما مسیری که می‌توانست در بازیگری برای او درخشان طی شود با حاشیه‌ها رنگ باخت.

سیاوش خیرایی که پیش از این در ترانه مادری معرفی شده بود در این مجموعه خود را بیش از پیش ثابت کرد و در آثار بعدی سهیلی‌زاده نیز دیده شد. شاهرخ استخری، ایفاگر نقش بهزاد نیز پیش‌تر در آثاری دیده شده بود اما حضور در یک نقش اصلی چون بهزاد برای او به‌مثابه سکوی پرتابی بود که سبب شد توانایی‌اش را بیشتر به نمایش بگذارد و بیش از پیش شناخته شود. به‌طور کلی می‌شود گفت غیر از چند مورد اغلب بازیگران بازی‌های باورپذیر و قابل‌قبولی از خود ارائه می‌دهند و در جایگاه مناسبی قرار گرفته‌اند.

حسین سهیلی‌زاده پس از دلنوازان چندین اثر تلویزیونی دیگر را مقابل دوربین برد که موفق‌ترین آنها از حیث جلب نظر بینندگان سیما، سریال «فاصله‌ها» بود. درواقع بیراه نیست اگر ترانه‌مادری، دلنوازان و فاصله‌ها را سه‌گانه موفقیت‌آمیز او در تلویزیون بدانیم و در این میان و با تمام نقاط ضعف دلنوازان آن را موفق‌ترین اثر تلویزیونی سهیلی‌زاده به‌شمار آوریم، زیرا همچنان بسیاری او را به‌خاطر ساخت این مجموعه می‌شناسند و خاستگاه بازیگران جوانش در عرصه هنر را نیز نقش‌آفرینی در این مجموعه می‌دانند. البته سهیلی‌زاده در سال‌های اخیر در شبکه نمایش خانگی نیز پرکار بوده است.

نگاهی به سریال خاطره‌انگیز «عشق گمشده» و منابع نوشتاری آن

چرخش سیب سرنوشت در داستان ربه‌کا

پیوند
کتاب و رسانه

در این شماره سراغ سریال خاطره‌انگیزی رفتیم که می‌توان میان قصه آن و چند کتاب، پیوندهایی را قائل بود. خطوطی از زمان «ربه‌کا» نوشته دافنه دوموریه (نویسنده انگلیسی) و همچنین داستان «سیب بلورین» نوشته مینو کریم‌زاده در قصه سریال «عشق گمشده» ساخته حسین سهیلی‌زاده هویداست. صاحبان اثر اشاره‌ای به ربه‌کا نداشتند اما بیان کردند که سیب بلورین مبنای فیلمنامه این سریال تلویزیونی بوده است. ربه‌کا چند نسخه سینمایی هم دارد که معروف‌ترین‌شان به کارگردانی آلفرد هیچکاک است و برنده اسکار نیز شده، می‌توان سریال عشق گمشده را اقتباسی چندگانه تلقی کرد که اتفاقاً موفق هم از آب درآمد. در نوشتار پیش‌رو هم نگاهی به این سریال داریم و خاطره‌بازی می‌کنیم و هم از آثاری می‌گوییم که قصه این مجموعه تلویزیونی از آنها برگرفته شده است.

آرمیتا علی‌رضایی

روزنامه‌نگار

برگ اول

سفری به دیروز

مجموعه تلویزیونی عشق گمشده سال ۱۳۸۳ از شبکه سه سیما پخش شد. زنده‌یاد جمشید مشایخی، علی دهکردی، بهنوش طباطبایی، فرهاد مهدیان، ستاره اسکندری، حمید رضا پگاه، فرهاد بشارتی، زنده‌یادان آتیلا پسیانی، داریوش اسدزاده، نیکو خردمند و... در این سریال به ایفای نقش پرداختند. خاطراتان باشد قصه از این قرار بود: زنی به نام سیما (با بازی بهنوش طباطبایی) گمان می‌کند در زندگی زناشویی به بن‌بست رسیده است. او تصمیم می‌گیرد برای خروج از بحران، مدتی را نزد پدر و مادر و به دور از همسرش امیر بگذراند. در اینجا سست که زندگی او با گذشته مادرش پیوند می‌خورد و سفری به دیروز آغاز می‌شود... در قصه‌ای که از گذشته مادر سیما روایت می‌شود، می‌بینیم که او پس از ازدواج متوجه گذشته رازآلود همسرش و اتفاقات عجیب در خانه‌شان می‌شود.



برگ دوم

بازنویسی سیب بلورین

گاهی فیلمنامه‌نویسان یا فیلمسازان زیر بار این‌که اثر خود را اقتباس کردند یا دست‌کم از اثر دیگری الهام گرفتند، نمی‌روند. اما در این مورد حسین سهیلی‌زاده، کارگردان سریال خود در مصاحبه‌ای بیان کرده بود: فیلمنامه‌ای با عنوان سیب بلورین نوشته مینو کریم‌زاده به من پیشنهاد شد که من تم اصلی داستان را پسندیدم و با فرهاد علیزاده آمی دربار بازنویسی آن گفت‌وگو کردم. پس از تبادل نظر در این باره داستان مجموعه با وجهی که اکنون به تصویر کشیده شده است، آماده و جلوی دوربین رفت. من بیشتر کارهایی که پیش از این سریال انجام داده بودم، بیشتر بر پایه طنز بود، در حالی که این اثر یک ملودرام به‌شمار می‌رود و در متن، مواردی وجود داشت که من نسبت به آنها علاقه مند بودم و در جهت گسترش این موارد تلاش کردم.

برگ سوم

عشق گمشده ربه‌کا

همان‌طور که بیان شد در این سریال شباهت‌هایی را هم با رمان ربه‌کا و فیلم مشهور آن احساس می‌کنیم که می‌توان حدس زد سیب بلورین برگرفته از این اثر باشد. قصه ربه‌کا از معروف‌ترین رمان‌های جهان این چنین آغاز می‌شود که یکی از آغازهای مشهور تاریخ ادبیات است: «دیشب در عالم رویا دیدم که بار دیگر در ماندولی پا گذاشتم».

این قصه توسط زن جوانی روایت می‌شود که تا پایان داستان نام او را نمی‌فهمیم و صرفاً به نام خانم دووینتر شناخته می‌شود. داستان در باب زن جوان خدمتکاری است که با مردی ثروتمند آشنا می‌شود و مرد جوان به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد. دختر جوان پس از مدتی زندگی، پی می‌برد مرد جوان همسر زیبایی خود را در یک حادثه از دست داده و سیر داستان پرده از این راز برمی‌دارد که زن جذاب و متوفی مرد جوان ماجرای عجیبی داشته که دامن‌گیر راوی قصه و همسرش می‌شود. بیان شد که مشهورترین اقتباس از ربه‌کا فیلم سینمایی ربه‌کا با شرکت لارنس اولیور است که آلفرد هیچکاک آن را به سال ۱۹۴۰ میلادی ساخت و نامزد و برنده چند جایزه اسکار در رشته‌های مختلف هم شد. در سال ۲۰۲۰ نیز نسخه سینمایی دیگری از این رمان به کارگردانی بن ویتلی ساخته شد.

